

مصائب شهری در روستاهای همسایه

شهرآرا در میزگردی با حضور دهیاران فعال، وضعیت روستاهای اطراف مشهد و معضل حاشیه نشینی را بررسی کرد

گزارش روز

روزنامه نگار الهام مهدیزاده

حاشیه چگونه حاشیه شد؟ مبدأ حاشیه از کجا بود؟ این ها سؤالاتی است که بارها میان نطق ها و اظهار نظرهای مسئولان و کارشناسان بیان شده است و آن ها سعی کرده اند با ارائه تحلیل های ریز و درشت، پاسخی برای این سؤال ارائه کنند. اما نه تحلیل ها و نه اقدامات گاه و بیگاه مسئولان، هیچ کدام نتوانسته است درمانی قطعی بر زخم حاشیه نشینی کلان شهری چون مشهد باشد. در این میان آنچه هنوز در کنار نطق های مسئولان از اعتبار نیفتاده، آماری نظیر حاشیه نشینی یک سوم جمعیت مشهد است. جمعیت شناسان در باره شکل گیری حاشیه نشینی به جاذبه های مقصد و دفعه های مبدأ به عنوان محور اصلی اشاره می کنند. به اذعان آنان، کم مهری به ظرفیت ها و توانمندی های روستاها در دهه های اخیر، به مهاجرت از روستا به شهرها و شکل گیری پدیده حاشیه نشینی دامن زده است. هر چند در سال های گذشته، روند مهاجرت از روستاها کاهش داشته، آنچه اکنون به عنوان مسئله ای جدی تر مطرح است، شکل گیری روستا شهرهایی در حاشیه کلان شهرهاست؛ روستاهایی که ساختار روستایی خود را از دست داده اند و فقط نام روستا را یدک می کنند؛ در ظاهر و باطن نیز هیچ نشانی از روستا ندارند. شهرآرا در میزگردی به وضعیت روستاهای حریم مشهد، پدیده مهاجرت، کوچ حاشیه نشین ها به روستاهای حاشیه مشهد و تبدیل روستا ها به روستا شهرها پرداخته است. در این نشست، چهار دهیار روستاهای اطراف مشهد مهمان شهرآرا بودند.



مهدی رحمانی - دهیار روستای کشف

مهدی رحمانی دهیار روستای کشف است و ۱۲ سال است که دهیاری این روستا را بر عهده دارد. او مدرک کارشناسی ارشد ساخت و تولید دارد. به گفته رحمانی، روستای کشف در فاصله ۲۰۰ متری مشهد واقع شده است. همچنین بر اساس آخرین آمار خانه بهداشت، جمعیت روستای کشف ۱۴ هزار نفر برآورد شده است، جمعیتی که با شهرستان کلات برابری می کند. در شرایط فعلی، روستای کشف با این جمعیتی که در خود جای داده است، یکی از ابر روستاهای بخش مرکزی شهرستان مشهد شناخته می شود.



معصومه جمالی - دهیار روستای فرخ آباد است. جمالی دارای مدرک کارشناسی مهندسی مدیریت آبادانی روستاهاست. جمالی از سال ۸۵ با دهیاری فعالیت کاری خود را شروع کرد و سال ۹۲ حکم پذیرش او در دهیاری صادر شد. روستای فرخ آباد اولین روستا از محدوده کثه بیست است. جمعیت روستای فرخ آباد بر اساس آمار خانه بهداشت، هزار و ۴۰۷ نفر است. به گفته دهیار، فاصله این روستا با محدوده شهری مشهد، تنها یک چهارراه است؛ چهارراهی که یک طرف آن، روستا و طرف دیگرش شهر است.



محمد حسینی - دهیار روستای خلق آباد خلق آباد است. روستای خلق آباد در کیلومتر ۵ جاده مشهد- کلات واقع شده است. شرایط این روستا متفاوت است. چالش این روستا، باغ ویلاهایی است که هویت روستایی آن را تغییر داده اند. جمعیت روستای خلق آباد بر اساس آمار خانه بهداشت، ۴ هزار و ۵۰۰ نفر است، جمعیتی که به گفته دهیار روستا در آخرین سرشماری رسمی کشور، ۲ هزار و ۸۰۰ نفر است.



بهنام بهداری دهیار روستای خین عرب است. بهداری که دارای مدرک کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری است، شش ماهی می شود که مسئولیت دهیاری این روستا را بر عهده گرفته است. بهداری پیش از این دهیار روستای شهید شوشتری (شترک) بوده است. طبق آمار سرشماری نفوس و مسکن سال ۹۵ روستای خین عرب جمعیتی نزدیک به هزار و ۳۰۰ نفر داشته است. جمعیت این روستا بر اساس آخرین آمار که از سوی خانه بهداشت ارائه شده، به ۳ هزار و ۵۰۰ نفر رسیده است.

● یکی از نقدها درباره روستاهای اطراف مشهد، ظاهر آن ها است. این روستاها با ساختمان های چندین طبقه، در ظاهر هیچ شباهتی با روستا ندارند و می توان آن ها را «روستا شهر» نامید. دلیل شکل گیری این بافت شهری در این روستاها چیست؟

جمالی؛ روستای ما، فرخ آباد، با شهر مشهد، یک چهارراه بیشتر فاصله ندارد. در این شرایط قطعاً نمی توان انتظار تغییر شایان توجهی در بافت بین این طرف چهارراه که روستاست، با آن طرفش که شهر است، داشت. همین الان در روستای فرخ آباد، دیگر زمینی برای کشاورزی وجود ندارد، در کل روستا فقط یک قطعه ۷ هزار متری و یک زمین ۲ هکتاری وجود دارد.

بهداری؛ روستای خین عرب نیز در مجموع ۱۰ هکتار زمین برای کشاورزی دارد. این روستاها حالا بخشی از مشهد هستند. به نظر من بهتر است به جای روستا برای این روستاها از عنوان «سکونتگاه» استفاده کنیم. در محدوده روستای خین عرب فقط ۸۰ هکتار صیفی جات و زمین کشاورزی وجود دارد.

رحمانی؛ برای پاسخ به این سؤال یادی کنم از روزی که یکی از مسئولان برای بازدید روستای کشف آمده بود. همان طور که از خیابان ها عبور می کردیم، آن مسئول پرسید، چقدر تاروستای کشف مانده است؟ گفتم: همین خیابان ها و ساختمان های چندین طبقه، جزئی از بافت روستای کشف است!

اما درباره سؤال شما باید بگویم که روستای کشف به دلیل نزدیکی با مشهد، شرایط متفاوت تری دارد. اینجا ساختمان های چند طبقه ای ساخته شده است، حال آنکه در حاشیه مشهد، چنین ساختمان هایی وجود ندارد. در کل روستای محدوده کشف، ۱۰ هکتار زمین کشاورزی بیشتر وجود ندارد. به نظر من، روستاهای حاشیه مشهد، سکونتگاه هم نیستند، روستاهای حریم مشهد «خوابگاه» هستند. کافی است یک روز صبح یا حوالی شب، سری به این روستاها بزنید تا متوجه شوید به منظور ما از خوابگاه یا سکونتگاه بودن این روستاها چیست.

هر صبح جمعیت زیادی که اغلب جوان هستند، از این روستا برای کار خارج می شوند و حوالی غروب همین جمعیت دوباره وارد روستا می شوند. این روستا حکم خوابگاه را برای جمعیتی دارد که هدفشان فراهم کردن شرایط زندگی در شهر مشهد بوده است اما به دلایلی از جمله گرانی مسکن نتوانسته اند در مشهد ساکن شوند، به همین دلیل روستاهایی مثل روستای ما را که فاصله چندانی با مشهد ندارند، برای اقامت انتخاب می کنند. افرادی که در این روستاهای حریم مشهد ساکن می شوند، می توانند کار، زندگی و حتی تحصیل بچه هایشان را در مشهد داشته باشند اما برای اسکان و خواب در این روستاها اقامت کنند.

حسینی؛ روستای ما بافت شهری دارد. این نکته را باید درباره بافت روستای خلق آباد اشاره کنم که ساخت و ساز در این روستا برخلاف روستاها اشاره شده، هنوز زیاد نیست و ساختمان ها چند طبقه نشده است. در مجموع طبقات ساخته شده در روستای ما، با طبقه است. حدود ۹۹ درصد ساختمان های روستا غیرمجاز و بدون پروانه هستند. نوع ساخت و ساز در روستای ما نیز تفاوت هایی با روستاهای اشاره شده دارد. چالش روستای ما باغ ویلاهای ساخته شده است که بافت روستا را کامل تغییر داده اند.

● گفته شد که ساکنان این روستاها کار و امور اداری خود را در مشهد انجام می دهند و فقط برای اسکان و اقامت راهی خانه های خود در روستاها می شوند. یک نکته دیگر می ماند و آن، وضعیت آموزشی و درمانی است. آیا روستاها در این دو حوزه جواب گو هستند یا در این دو زمینه نیز جمعیت راهی مشهد می شود؟

جمالی؛ همان طور که اشاره کردم، روستای فرخ آباد فاصله ای با مشهد ندارد. در حال حاضر در روستا مدرسه برای دانش آموزان نداریم و بچه های روستا برای درس خواندن به شهر می آیند. فرخ آباد خانه بهداشت هم ندارد و ساکنان روستا برای درمان به روستاهای

مهدی آباد و همت آباد می روند و اگر نیاز به درمان تخصصی داشته باشند، به شهر مراجعه می کنند.

بهداری؛ در روستای خین عرب، مدرسه ای در مقطع ابتدایی داریم. دوره متوسطه اول و هنرستان برای پسران نیز در روستا فعال است. خین عرب خانه بهداشت دارد و ساکنان روستا اگر نیاز به درمان داشته باشند، می توانند با مراجعه به آنجا، خدمات دریافت کنند؛ البته در موارد تخصصی به شهر ارجاع داده می شوند. **حسینی**؛ روستای خلق آباد دومدرسه دارد. یکی از مدارس، مقطع ابتدایی است که با ۵۵۰ دانش آموز در دو نوبت مجزای پسرانه و دخترانه خدمات آموزشی ارائه می کند. دیگر مدرسه روستای خلق آباد، مقطع متوسطه اول است که ۲۷۳ دانش آموز دختر و پسر دارد. متوسطه دوم نداریم و در حال پیگیری هستیم که متوسطه دوم نیز برای دانش آموزان راه اندازی کنیم. برای درمان نیز معمولاً افراد به خانه بهداشت مراجعه می کنند.

● دلیل اینکه این روستاها حالت روستایی ندارند، چیست؟ آیا ضعف قانونی داریم یا به ضعف در حوزه مدیریت شوراه

و دهیاری ها ارتباط دارد؟

رحمانی؛ مشکل اینجاست که مردم این روستاها خودشان را جزئی از روستا نمی دانند و حس تعلقی به روستا ندارند و معتقدند که بخشی از مشهد هستند. بارها پیش آمده است که روی کلمه «روستا» در تابلو ورودی بولوار باسپری رنگ، خط کشیده اند. ساکنان نیز از وجود دهیاری و استفاده از لفظ روستا ناراحت اند و می گویند مگر بین ما و محدوده شهری مشهد چقدر فاصله است که از اسم روستا استفاده می کنید!

آنچه مشخص است، بر اساس تقسیمات کشوری، این محدوده ها روستا در نظر گرفته شده است و در شرایط فعلی و نظر به تصمیمات فعلی نیز باید عنوان این روستا حفظ شود. من متعقد مشکلی که وجود دارد، به جایگاه و توان دهیاری ها مرتبط است. به عبارت دیگر، حل مشکلات موجود در توان دهیاری های روستاهای حریم مشهد نیست؛ چون به لحاظ جایگاهی مشکلاتی دارند. شهرداری ها از نظر جایگاه قانونی سابقه صدساله دارند اما دهیاری ها در این زمینه مورد بی مهری واقع شده اند. در توضیح ساده تر باید بگویم که بر اساس قانون خودکفایی دهیاری ها که سال ۷۷ به تصویب رسید، مقرر شد چارت دهیاری ها ارائه و تصویب شود اما تا به امروز که حدود ۲۴ سال گذشته است، این چارت هنوز تعریف و ارائه نشده است. وقتی دهیاری ها چارت مشخصی ندارند، چگونه می توان به توانمندی دهیاری روستاها برای حل مشکلات و جلوگیری از مهاجرت امید داشت؟ در روستاهای حریم مشهد و در روز روشن، تخلفی در حوزه ساخت و ساز صورت می گیرد اما دهیار نه از نظر مالی تمکن، نه از نظر قانونی، توان مقابله دارد.

همین موضوع سبب می شود در روستاهای حریم، شاهد آن باشیم که چندین طبقه ساخته اند. دهیار می خواهد جلو این موضوع را بگیرد اما نمی تواند، در این شرایط هر کس از هر جای کشور می تواند بیاید و در اینجا خانه ای برای خود بنا کند. من از سال ۹۱ که دهیار کشف شدم، با وجود مخالفت ها، گشت پلیس ساختمان راه انداختم و در ادامه با همراهی مرجع قضایی توانستم از سال ۹۷ جلو ساخت و سازهای غیرمجاز را بگیریم. اما تا قبل از آن، هر زمان صحبت از گشت پلیس ساختمان می شد، به ما می گفتند مگر چارت مشخصی دارید که می خواهید پلیس ساختمان داشته باشد!

دهیاران می خواهند با ساخت و ساز غیرقانونی و تبدیل روستاها به شهر مخالفت کنند اما این چگونه امکان پذیر است؟ با جدیت به شما می گویم اگر این شرایط ساخت و سازهای غیرمجاز در روستاهای حریم نبود، مهاجرت هم شکل نمی گرفت. تاجایی که می دانم، سال گذشته، ۲ هزار پرونده در حوزه کمیسیون ماده ۹۹ برای ساخت و سازهای غیرمجاز در روستاهای بخش مرکزی تشکیل شد.

بهداری؛ روستای ما نیز همین شرایط را دارد و مردم نمی خواهند قبول کنند که خین عرب روستاست. هر چند بخشداری در حوزه امور روستاها حمایت کرده است، متعقدم که قانون روستا باید بازنگری شود و روستاها بر اساس شرایط و نزدیکی به کلان شهرها دسته بندی شوند، برای مثال روستاهای حریم شهرها، قانونی متفاوت با دیگر روستاها داشته باشند. الان بر اساس قانون، ضابطه ساخت و ساز در روستاها، دو طبقه است؛ این قانون برای روستایی صق می کند که در آن، خبری از ساختمان های بلند نیست و به محض ورود به روستا می گوی: به به، چه هوایی! اما برای روستاهایی که جدا کردن آن ها از شهر غیرممکن است، این قانون نمی تواند کارگشا باشد. شکل و شمایل این روستاها آن قدر شبیه شهر است که فرد متوجه ورودش به روستا و خارج شدن از شهر نمی شود.

همین الان در روستایی مانند خین عرب، کشف یا شترک چطور می توان ضابطه روستایی را اجرایی کرد؟ این یک ایراد بزرگ است. تازمانی که قانون ارتقا داده نشود، شاهد مهاجرت از شهر و روستاهای دوردست به حاشیه شهرها و روستاهای حریم خواهیم بود.

● یکی از دلایل روستاییان برای مهاجرت به شهر، کم و کاستی هایی است که در حوزه زیرساختی در روستاها وجود دارد. شرایط طرح هادی روستاها چگونه است، آیا این طرح می تواند نیازهای ساکنان روستاهای حریم مشهد را پاسخ

گوید؟

جمالی؛ طرح هادی روستای فرخ آباد مربوط به ۳۰ تیر سال ۹۰ است و اکنون باید بازنگری شود. به این موضوع

نیز باید اشاره کنم که طرح هادی روستای فرخ آباد به دلیل عبور خط گاز مشهد- سرخس و حریم آن، غیرقابل اجرا بود. بر اساس قوانین، باید از هر طرف ۲۵۰ متر حریم برای لوله گاز در نظر گرفت. با این شرایط، بخشی از روستای ما در حریم لوله قرار می گرفت و به همین دلیل طرح هادی و اجرای آن در روستای فرخ آباد غیرممکن شد. نقشه ای داشتیم که بر اساس آن گفته شد از این محدوده نباید بیرون رفت. در نتیجه به دلیل اجرا نشدن طرح هادی، پاسخ گویی به بخش هایی از روستا غیرممکن شد. در حال حاضر، بخش هایی از فرخ آباد وجود دارد که با توجه به وجود همین لوله گاز نمی توانیم برای مجوز انشعاب های آب و برق و گاز استعلام بگیریم. اکنون نیز خانه های آن محدوده از روستا که نزدیک حریم لوله گاز هستند، انشعاب ندارند و این موضوع مشکلاتی برایشان ایجاد کرده است.

رحمانی؛ زمان طرح های روستایی به صورت ۱۰ ساله در نظر گرفته می شود و پس از گذشت ۱۰ سال باید بازنگری صورت گیرد. درباره روستای کشف و طرح هادی آن، مشکلی وجود ندارد و نیازهای مردم بر اساس این طرح پاسخ گویی شده است. امیدوارم ظرف چند ماه آینده، طرح هادی روستای کشف رابه تصویب برسانیم و بر اساس آن مشکلات مردم رافع کنیم.

بهداری؛ طرح هادی در روستای خین عرب نیز به پایان رسیده است و باید بازنگری شود. اما درباره کم و کیف طرح که پرسیده شد، باید بگویم طرح هادی روستای خین عرب با چالش عدم تطابق رویه رو بود. به عبارتی در این ۱۱ سال که از عمر طرح هادی فعلی می گذرد، ۷۰ درصد عدم تطابق شکل گرفته است. موضوع نیز به حرف وحدیت ها درباره افزوده شدن خین عرب به محدوده شهر مشهد برمی گردد. آن طور که بنیاد مسکن می گوید، روستای خین عرب در محدوده شهری مشهد مشهد قرار گرفته است. وضعیت این روستا در شورای پنجم تعیین تکلیف و روستای خین عرب در محدوده طرح تفصیلی مشهد لحاظ شد. همین موضوع این ابهام را ایجاد کرده است که ما محدوده شهری هستیم یا روستا؟ اگر روستا هستیم، باید طرح هادی خین عرب بازنگری شود. اگر شهر هستیم، باید در انتظار تصمیم استانداری برای الحاق آن به مشهد بمانیم.

حسینی؛ سال ۸۵ طرح هادی روستای خلق آباد ارائه و سال ۹۵ بازنگری شد. مرحله بعدی طرح سال ۱۴۰۵ خواهد بود و فعلاً طرح هادی روستا پاسخ گوی نیازهاست.

● یکی از مواردی که بر آن تأکید می شود، مهاجرت پذیر بودن این روستاها به دلیلی نزدیکی به بافت شهری است. سؤالی که در این حوزه مطرح است، درباره تغییرات بافت جمعیتی روستاهای حریم مشهد، به دلیل همین مهاجرت پذیری است.

بافت جمعیتی روستایی که دهیاری آن را بر عهده دارید، به دلیل این مهاجرت پذیری ها دستخوش چه تغییراتی شده است؟ **جمالی**؛ روستای فرخ آباد به محدوده گلشهر مشهد بسیار نزدیک است. همین نزدیکی سبب شده است جمعیت در خور توجهی از افغانستانی ها که می خواهند در مشهد کار کنند، در روستای ما ساکن شوند. روستاهای حلوایی و کریم آباد نیز همین شرایط را دارند.

رحمانی؛ از دید من که ۱۲ سال سابقه دهیاری این روستا را دارم، روستای کشف را باید «روستای هفتاد و دو ملت» نامید، زیرا از هر جا که فکر کنید در این روستا ساکن شده اند. فاصله کم روستای کشف با مشهد از جمله دلایلی است که از روستاها و حتی شهرهای دوردست در این روستا ساکن می شوند. اگر قرار بر دسته بندی بافت جمعیت باشد، می توان گفت که یک دسته از ساکنان روستای کشف، ساکنان روستاهای دور دست مانند فریزی، امرو دک و... هستند. این روستاییان، در روستای خودشان خانه و زمین دارند اما برای ماه های زمستان که کار کشاورزی تعطیل است، برای آنکه به مشهد نزدیک باشند و راحت به زیارت بروند، در کشف ساکن می شوند. گروه دوم افرادی هستند که در شهرهای دیگر مانند سیستان، زاهدان و... سکونت دارند. این افراد نیز می خواهند برای حضورشان در مشهد، یک خانه داشته باشند. دسته دیگر، افرادی هستند که با در نظر گرفتن شرایط اقتصادی، در روستای کشف ساکن شده اند. از قیمت مسکن در روستای کشف نیز نباید به سادگی گذشت. قیمت زمین در روستای کشف، متری ۵ میلیون تومان است. این قیمت در مقایسه با قیمت مسکن در مشهد کم است، اما در مقایسه با روستاهای دور افتاده، شایان توجه است. در روستایی که کشاورزی در آن هنوز جان دارد و بخش عمده روستا زمین های کشاورزی است، قیمت زمین ۲۰۰ هزار تومان است. این عدد را حدودی گفتم و ممکن است کمی بیشتر یا کمتر باشد اما قیمت زمین در یک روستای با قیمت میلیون نیست. این نکته نیز بر جذابیت مهاجرت از شهرهای دور و اسکان در روستاهای اطراف مشهد می افزاید. مصداق و نمونه آن، روستای امرو دک است که در فاصله حدودا ۷۰ کیلومتری مشهد قرار دارد و حدود ۱۰۰ خانواده آن در روستای کال زرکش ساکن شده اند. بگذارید این طور حرف های را جمع بندی کنم که ما، روستاهای حریم مشهد، اکنون به حاشیه ای از حاشیه شهر مشهد تبدیل شده ایم، حاشیه ای که بعد از پر شدن واحدهای مسکونی حاشیه مشهد، حالا خودشان نیز به دلیل مهاجرت های شکل گرفته فاقد حتی یک خانه خالی هستند.

حسینی و بهداری گفته های رحمانی را تأیید می کنند؛ واقعا همین است. ما حاشیه ای از حاشیه شهر مشهد هستیم.

بهداری؛ روستای خین عرب نیز از نظر بافت جمعیتی، شرایطی مشابه دیگر روستاها دارد. در روستای ما نیز موضوع اسکان اتباع غالب است. دلیل آن هم شرایط شکل گرفته در افغانستان بود که سبب شد تعداد زیادی از اتباع راهی استان ما شوند. بخشی از این اتباع نیز به دلیل هزینه ها در روستاهای نزدیک مشهد ساکن شده اند. آن طور که شورای روستا اعلام کرد، ۶۰۵ خانوار از اتباع در خین عرب ساکن شده اند.

حسینی؛ بافت جمعیتی روستای ما متفاوت با سایر این روستاهاست. در روستای خلق آباد به دلیل شرایط آب و هوایی و یلاسازی رونق دارد و به همین دلیل افرادی در روستا ساکن می شوند که هیچ فعالیتی در زمینه کارهای تولیدی روستایی ندارند. این افراد اغلب از قشر مرفه جامعه هستند و توقع دارند که برای ویلاهای ساخته شده شان، شرایط از نظر اسفالت، جدول کشی مشابه شهرک های ویلایی باشد، این در حالی است که اینجا روستاست و اقتضانات خاص خودش را دارد. روستای ما نیز با این شرایطی که گفتم، هیچ خانه خالی ندارد.

